

بررسی فرایند تأثیر فیلم

در سال جاری نیز چون سال گذشته و سالیان قبل، جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان در شهر اصفهان برگزار می‌شود. از آنجا که این جشنواره اساساً و ماهیتاً در پی تبیین سینمای کودکان و نوجوانان به‌عنوان یک هنر مستقل و مؤثر با خصوصیات، ویژگیها و کارکردهای خاص خویش است و محلی جهت تبادل آراء و نظرات هنرمندان، متفکران و پژوهشگران این عرصه به‌شمار می‌رود، با ارائه نوشتار حاضر به استقبال این رویداد می‌رویم. با این امید که دستاوردهای نظری و عملی این جشنواره در ارتقای سطح کیفی و کمی سینمای کودکان و نوجوانان و در نهایت تربیت نسلی فرهیخته مؤثر افتد.

غالب مریبان و دانشمندان علوم تربیتی مقطع سنی مخاطب را در ایجاد رابطه با فیلم به‌عنوان یکی از مهمترین مسائل ذکر می‌کنند. این موضوع از دو جهت حایز اهمیت است، نخست آنکه کودکان در هر مقطع سنی نیازها و رغبت‌های ویژه‌ای دارند که سینما باید به این نیازها توجه کند و پاسخ مناسبی به آن دهد تا مقبول طبع کودک افتد و ارتباط کودک با فیلم به‌صورت مستحکم برقرار شود و دیگر آنکه کودک در هر مقطع سنی از میزان ظرفیت ذهنی و عاطفی مشخصی برخوردار است که در صورت عدم توجه سازندگان فیلم به این ظرفیت ذهنی و عاطفی، فیلم در نظر کودک یا ملال‌آور و بی‌روح خواهد بود و یا مبهم و مخرب. به‌طور مثال اگر میزان و دامنه «تعلیق» بیش از حد



بر مخاطبان کودک و نوجوان

مرتضی نیک‌پایان*

ظرفیت عاطفی تماشاگر باشد، هیجانات حاصل بر اعصاب او فشار وارد آورده و موجب لطمات روحی بر تماشاگر می‌شود. لطماتی که بویژه در مورد کودکان خطرات بسیاری را در پی خواهد داشت. این مسأله در مورد شیوه نورپردازی، صحنه‌آرایی، موسیقی، تدوین و سایر عناصر فیلم به‌خصوص در صحنه‌های دلهره‌آور و ترسناک نیز صادق است. همچنین است عکس حالت فوق، اگر فیلم از تعلیق و هیجانات کافی برخوردار نباشد موجب کسالت و ملال خاطر مخاطب می‌گردد. نورپردازی‌های تخت و یکنواخت، نماهای طولانی با ضرب‌آهنگ‌کنند، صحنه‌های کم‌تحرک و پرگفت‌وگو، داستانهای پیچیده، موسیقی آرام و بدون اوج و فرود و... موجب قطع رابطه کودک، خستگی و بی‌اعتنایی او نسبت به فیلم می‌گردد. برای دوری از این حالت‌ها توجه به ویژگیهای کودک در هر مقطع سنی و به اصطلاح دانستن «روانشناسی رشد» ضروری است.

روانشناسان کودک و دانشمندان علوم تربیتی چهار مقطع سنی را برای کودک و نوجوان از بدو تولد تا دوران جوانی برمی‌شمارند و هر یک از این مقاطع را واجد خصوصیات می‌دانند. باید توجه داشت چنانکه این دانشمندان خود متذکر می‌شوند تعیین قطعی و جزمی گروههای سنی هرگز عملی نیست و آنچه در طبقه‌بندی‌های گروههای سنی ارائه می‌شود، اطلاعاتی براساس مجموع تحقیقات به‌عمل آمده و در واقع برآیند پاسخ‌ها و

*- کارشناس ارشد پژوهش هنر.



کودکان در رویارویی و ضبط تصاویر فیلم در ذهن خود فقط از حافظه خود کمک نمی‌گیرند، بلکه به همراه آن فعالیتهای دیگر ذهن نظیر تداعی معانی، حکم، تخیل، تممیم و تحلیل پدیدار می‌شود و به‌طور کلی سراسر ذهن و روحیه او از فیلم متأثر می‌گردد و به همین دلیل هر کودک دریافت شخصی خود را از فیلم خواهد داشت. نتیجه آنکه برای کودکان با توجه به روان‌شناسی رشد و تحول فرد در دوران مختلف سنی باید فیلمهای مناسب با روحیه و ویژگی ذهنی ایشان انتخاب نمود.

تعبیر معنا و نظام روانی داستان آن را نیز تا اندازه‌ای خواهد داشت. به عقیده برخی برای دنبال کردن سلسله مراحل و مراتب فیلم بلند داستانی و درک طرق و فنون هنر سینما، داشتن ده سال هوشی ضروری است، حال آنکه برای پی‌بردن به معنای واقعی یک فیلم سینمایی، داشتن حداقل دوازده سال هوشی ضروری می‌باشد.

اما چهارمین مرحله تفهیم زمان سینمایی در حدود شانزده یا هفده سالگی آغاز می‌شود. علاقه نوجوانان به سینما بیشتر به جهت تمایل ایشان به شناخت اسرار و رموز زندگی بزرگسالان است، دنیایی که خود در آستانه ورود به آن قرار گرفته‌اند و علت اصلی علاقه به کشف آن نیز همین نکته است. آنچه مسلم است عکس‌العمل نوجوانان در قبال سینما با واکنش کودکان در این زمینه متفاوت است. بلوغ نه فقط موجب پیدایش بینش نوی از سینما و تفهیم بهتری از فیلمهاست، بلکه احساس و تخیل را به غایت تأثیرپذیر می‌کند و این خود سبب ظهور مسائل تازه‌ای در این باره می‌گردد که ستایش و الگوپذیری از ستاره‌های سینمایی یکی از آنهاست. در این دوران پسرها به فیلمهای پرتحرک و پرماجرا و دختران به فیلمهای آرام خانوادگی و عاطفی علاقه بیشتری نشان می‌دهند. به‌طور کلی خصوصیات فردی، تربیت، هوش، سن، محیط اجتماعی و وضعیت خانوادگی افراد در میزان علاقه ایشان به سینما، کیفیت پسند فیلمها، نوع سلیقه و عکس‌العمل در قبال فیلم مؤثر است. با توجه به ویژگیهای مذکور، فیلمهای مربوط به کودکان گروه

عکس‌العمل‌های هر گروه سنی است. ویژگی کودکان در چهار مرحله رشد عبارت است از: مرحله اول که به هفت سالگی ختم می‌شود و دوره افسانه‌آمیز کودکان است. کودکان در این دوره از تخیل وسیعی برخوردارند و به عقیده بسیاری از پژوهشگران، نمایش فیلمهای بلند سینمایی برای ایشان در این دوره سنی مناسب نیست. تحقیقات به‌عمل آمده نشان می‌دهد که کودکان در این دوره به فیلمهای ساده پویانما (انیمیشن) بیشتر توجه نشان می‌دهند. این فیلمها باید مسائلی که کودکان در این دوره با آن مواجه هستند را پاسخ دهند.

دومین گروه سنی شامل کودکان هفت تا دوازده ساله است. کودکان این گروه به تجربه‌اندوزی در عالم واقع می‌پردازند، به کار و کوشش علاقه‌مند می‌شوند و معمولاً ماجراجو و اهل عمل می‌گردند. در این دوره، کودک درباره فیلمهایی که می‌بیند نظرات عینی ابراز می‌کند و توانایی درک انگیزه حرکت قهرمانان فیلم و خصوصیات اصلی داستان را کم و بیش می‌یابد و به ذهن می‌سپارد. این مرحله به دوران آغاز بلوغ یعنی دوازده، سیزده سالگی پیوند می‌خورد. در این دوره شخصیت و منش کودک - نوجوان، قوام و استحکام می‌یابد و تعارضات و کشش‌ها و تمایلات گوناگون، وجود او را در بر می‌گیرد. معمولاً در این دوران وی به سینما سخت علاقه‌مند می‌شود و در عین حال جنبه خیالی آن را باز می‌شناسد، به‌علاوه نوجوان نه فقط قادر به ادراک فیلم به‌طور کلی است، بلکه توانایی تفسیر و

تماشاگر هنگام تماشای فیلم، دستخوش حالات خاصی می‌گردد که روان‌شناسان با عناوین «بهره‌گیری» یا شرکت و دخالت خیالی در ماجرا، انطباق یافتن یا همانند شدن با قهرمانان فیلم و «فراکنی» و استناد نفسانیات خود به دیگران از آن یاد می‌کنند. مناسبات خاصی که میان تماشاگر و فیلم پدید می‌آید موجب رهایی و تسکین و تشریف عواطف و هیجانات تماشاگر و انگیزش قوای نفسانی او می‌گردد.

با مشاهده‌ی کسانی که بر پرده‌ی سینما تجسم همین تمایلات هستند نوعی تشخیص جویند.*

نظریه‌ی دیگر، ارضای حس کنجکاوی را باعث علاقه‌ی مردم به سینما می‌شمارد. از نظر این پژوهشگران، کنجکاوی یعنی یادآوری و امیدواری، زیرا میل به دیدن چیزهای تازه زمانی به وجود می‌آید که انسان پیش از آن چیزی نو کشف کرده باشد و از این کشف لذت برده باشد و با وسایلی که در اختیار دارد در پی کشف مجدد دنیاهاى تازه باشد.

بدون تردید هر یک از این نظرات درباره‌ی دلایل استقبال عموم مردم از سینما قابل تعمق و بررسی است، اما دلایلی که برای علاقه و استقبال کودکان و نوجوانان از سینما ذکر می‌شود علاوه بر ارضای حس کنجکاوی شامل لذت از ورود به عالم تخیل، کشف روابط و مناسبات بین شخصیت‌ها و رویدادها، سرگرمی و عدم دسترسی به سایر تفریحات نیز می‌شود.

بر مبتنای پرسشی که از ۹۰ دختر و پسر مقطع راهنمایی (۱۲ تا ۱۴ سال) و ۱۲۰ دختر و پسر مقطع دبیرستان (۱۵ تا ۱۸ سال) در شهر اصفهان صورت گرفت از بین شش راه برای گذران اوقات فراغت که عبارت از بازی با دوستان، ورزش، مطالعه، گردش، تماشای تلویزیون و سینما بود. سی و یک نفر از افراد گروه اول سینما و تلویزیون را جهت گذرانیدن اوقات فراغت در اولویت اول

سنی اول و دوم باید ساده، آسان‌فهم و با درونمایه‌ی متناسب و روشن و با زمان کوتاه باشد و چنانکه قبلاً متذکر گشتیم از آوردن صحنه‌های پرهیجان و تصاویر ترسناک و به‌طور کلی از التهابات بیش از توان روحی ایشان باید اجتناب کرد.

امروزه سینما به‌عنوان یکی از محبوب‌ترین و پرمخاطب‌ترین هنرها شناخته می‌شود. برای این دل‌بستگی دلایل گوناگونی ذکر شده است؛ از جمله اینکه انسان شهرنشین امروزی تحت فشارهای گوناگونی قرار دارد و میل به رهایی از این فشارها او را به سالن سینما می‌کشاند. او که از یکنواختی زندگی شهری و مشکلات آن به تنگ آمده، در عالم سینما تجارب نامأنوس و جدیدی را به دست می‌آورد. نظریه‌ی دیگر بر آن است که انسان معاصر موجودی است دچار احساس شدید و عمیق تنهایی و از آنجا که سینما جمعیت بزرگی را گرد هم می‌آورد و او را با زندگی جمعی قهرمانان فیلم آشنا می‌کند، ناچار نزد انسان معاصر دلپسند است.

پاره‌ای دیگر را عقیده بر این است که سینما بیننده را افسون می‌کند، فکر و اراده‌ی او را از مداخله باز می‌دارد و از این‌رو نوعی استراحت روحی برای انسان تحت فشار امروزی است. دکتر «شاپور راسخ» در این باره می‌گوید: «رغبت توده‌ی مردم به سینما بیشتر از آن جهت است که می‌خواهند طی دو ساعت خود را از اشتغالات فکری روزانه و جهان عادی برهانند و به دنیایی رؤیایی بگریزند، فشارهای زندگی را از یاد ببرند و برای تمایلات درونی خود که در حیات معمول مجال بروز ندارد

*- شاپور راسخ، مقاله‌ی نقش سینما در زندگی و تمدن جدید، مجله‌ی نگین، دی‌ماه ۱۳۴۴، ص ۱۹.



انتخاب خود قرار دادند. سی نفر در اولویت دوم، هیجده نفر در اولویت سوم و هفت نفر در اولویت پنجم. به عبارت دیگر تقریباً ۳۴٪ نوجوانان مقطع راهنمایی سینما و تلویزیون را به عنوان اولین و بهترین طریق گذران اوقات فراغت خود، ۳۳٪ به عنوان دومین راه، ۲۲٪ به عنوان سومین راه و فقط ۱۰٪ به عنوان پنجمین راه برگزیدند. در مقطع دبیرستان وضع از این قرار است در حدود ۳۲٪ سینما و تلویزیون را در اولویت اول، ۲۴٪ در اولویت دوم، ۲۴٪ در اولویت سوم و ۱۶٪ در اولویت چهارم قرار داده‌اند. جداول ذیل میزان مقبولیت سایر تفریحات و امور مفرح گذران اوقات فراغت را در نزد این گروهها مشخص می‌کند.

جدول انتخاب راههای گذران اوقات فراغت
۹۰ دانش‌آموز دختر و پسر در مقطع راهنمایی

اولویت	۱	۲	۳	۴	۵	۶
ورزش	۱۴	۳۲	۱۱	۱۳	۸	۵
مطالعه	۲۹	۲۱	۱۵	۱۲	۶	۴
گردش	۳	۷	۳۳	۱۴	۲۵	۱۲
بازی با دوستان	۲۳	۹	۸	۳	۵	۱۸
تماشای تلویزیون و فیلم	۳۱	۳۰	۱۸	۲	۷	۲

اولویت‌ها برگزیدند. دوم اینکه در هر دو جدول تماشای تلویزیون و سینما بیشترین گزینه‌های اولویت اول، دوم و سوم را به خود اختصاص داده، این مسأله با توجه به جذابیت سایر گزینه‌ها، قابل تعمق است. سوم اینکه غالب دختران تماشای تلویزیون را نسبت به سینما رفتن ترجیح می‌دهند و دیگر آنکه نزد پاسخ‌دهندگان مقطع راهنمایی، تماشای تلویزیون و فیلم نسبت به مطالعه تقدم دارد، حال آنکه پاسخ‌دهندگان مقطع دبیرستان با اندکی اختلاف، مطالعه را بر تماشای تلویزیون و فیلم ترجیح داده‌اند. این مسأله مؤید نظر برخی از پژوهشگران مبنی بر این است که میزان علاقه به سینما بر حسب سن و سال و تحصیلات تغییر می‌کند و در آخر، پاسخ‌دهندگان در برابر این سؤال که چرا به سینما می‌روند، در درجه اول تفریح و سرگرمی و سپس آموختن را عنوان کرده‌اند.

جدول انتخاب راههای گذران اوقات فراغت
۱۲۰ دانش‌آموز دختر و پسر در مقطع دبیرستان

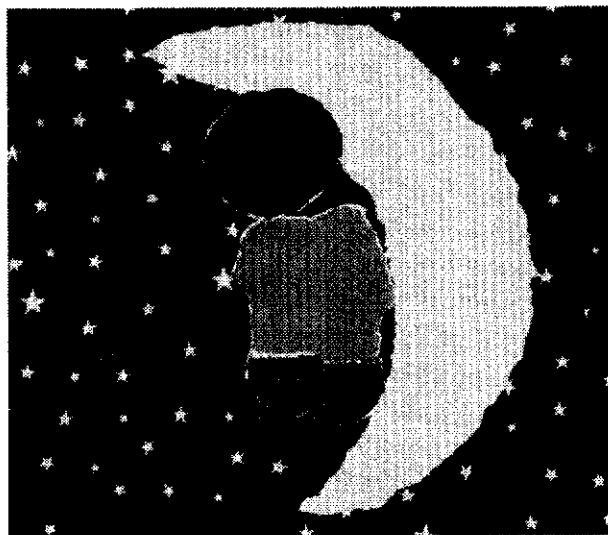
اولویت	۱	۲	۳	۴	۵	۶
ورزش	۲۴	۳۲	۸	۷	۹	۱۳
مطالعه	۳۳	۱۸	۲۰	۱۱	۵	۳
گردش	۱۳	۱۲	۳۴	۱۵	۲۱	۱۴
بازی با دوستان	۲۳	۱۶	۱۲	۸	۶	۱۲
تماشای تلویزیون و فیلم	۳۴	۳۵	۲۱	-	۱۱	۲

بر اساس تحقیقات به عمل آمده درباره چگونگی مقبولیت انواع (ژانرهای) سینمایی نزد دانش‌آموزان، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در مقطع راهنمایی بیشتر پاسخ‌دهندگان فیلمهای علمی-تخیلی و پس از آن فیلمهای پرتحرک حادثه‌ای از قبیل پلیسی و وسترن و هم‌عرض آن فیلمهای پویانما و تعدادی نیز فیلم مستند را بیش از

از نکات جالب جداول فوق آن است که اولاً با توجه به اینکه پاسخ‌دهندگان در انتخاب یا عدم انتخاب راههای پیشنهادی گذران اوقات فراغت آزاد بودند، تقریباً همه ایشان تماشای تلویزیون و فیلم را ترجیح داده و طبق ارقام ثبت شده به عنوان یکی از

این جهت «واقعیت‌پنداری» فیلم به‌خصوص نزد مخاطبان نوجوان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در سایه این واقعیت‌پنداری است که مخاطب با شخصیت محوری فیلم «هم‌ذات‌پنداری» کرده، با او به یگانگی می‌رسد و همراه او دست به مبارزه با موانع می‌زند و تجارب فیلم از طریق احساس و اندیشه به وی منتقل می‌شود.

«درونمایه» و «تم» فیلم بر اثر تکرار و نمایش پیاپی فیلمهایی با مضامین مشترک برای مخاطب حکم سرمشق را می‌یابد و در جهانی ایشان تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال بیشتر فیلمهای آمریکایی دارای پایان خوش هستند ولی زیربنا و اساس فکری آنها فاقد اعتبار است. در این فیلمها توفیق مادی در زندگی کمال مطلوب است. صحنه‌های فیلم غالباً به تقلید از زندگی طبقات متوسط رو به بالا آرایش یافته و به‌همین جهت عامه سینمارو که از امکانات و تجملات زندگی بی‌بهره‌اند این‌گونه فیلمها را همچون رؤیایی الوان می‌نگرند و سعی در تقلید از آن را دارند. این فیلمها جلوه نادرست و گمراه‌کننده‌ای از زندگی ارائه می‌دهند و تصور و مفهوم غلطی از جهان واقعیت به کودکان و نوجوانان عرضه می‌کنند. زندگی پرتجمل، سهل‌انگاری در امور، هدر دادن وقت، فسق و فجور و... در این فیلمها به‌صورت اموری عادی و موجه ارائه می‌شود. کودکان و نوجوانان از آنجا که فیلم را به مثابه واقعیت و حقیقت می‌پندارند این جلوه‌های دروغین را باور کرده و در نتیجه این فیلمها بر تصور او از زندگی و بر آرمانها و شوون و نظام ارزشهای او به وجه نامطلوبی تأثیر می‌گذارند و موقعیت او را در جهتی که خلاف اهداف تربیت صحیح است قرار می‌دهند. مضامینی نظیر جنایت، مسائل جنسی، خشونت، سرقت، عشق و عاشقی سطحی و... به کرات و همچون ترجیح‌بندی ابدی در فیلمهای تجاری آمریکایی، اروپایی و بسیاری از ملل دیگر دیده می‌شود و در عوض مضامینی چون شرح احوال انسانهای بزرگ، تاریخ، ورزش، مسائل اجتماعی و مذهب



انواع دیگر فیلم ترجیح می‌دهند. اما پاسخ‌دهندگان مقطع دبیرستان، فیلمهای پرتحرک و حادثه‌ای را بیشتر از سایر انواع می‌پسندند و پس از آن به ترتیب، فیلمهای علمی-تخیلی، واقعه‌گرا، افسانه‌ای، پویانما و مستند را به‌عنوان فیلم مورد علاقه خود ذکر می‌کنند. شیوه انتخاب فیلمها نیز براساس تبلیغات غالباً تلویزیونی، عکسهای فیلم، حضور هنرپیشگان معروف و بیشتر از همه براساس تعریف دوستان صورت می‌گیرد.

بر مبنای تحقیقات یاد شده می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش سن، تحولی در سلیقه نوجوانان در مورد سینما پدید می‌آید و فیلمهای زنده مقبولیت بیشتری نسبت به فیلمهای پویانما (انیمیشن) می‌یابند، همچنین توجه به جنبه‌های منطقی و تطابق فیلم با واقعیت نزد ایشان بیشتر دیده می‌شود. بر این مبنای فیلمهای تخیلی اگر از نظر فنی و یا فیلمنامه ضعیف بوده و تصنعی به‌نظر آید نزد مخاطبان نوجوان، غیرواقعی و مبالغه‌آمیز جلوه می‌کند و به همین دلیل مطرود می‌گردد و تأثیر خود را از دست می‌دهد. بدیهی است اگر فیلمی توان حفظ ارتباط با مخاطب را نداشته باشد، از نظر انتقال معانی و مفاهیم مورد نظر خود - درونمایه - به مخاطب نیز دچار مشکل شده ناموفق می‌ماند. از

رغبت توده مردم به سینما بیشتر از آن جهت است که می‌خواهند طی دو ساعت خود را از اشتغالات فکری روزانه و جهان عادی برهانند و به دنیایی رویایی بگریزند، فشارهای زندگی را از یاد ببرند و برای تمایلات درونی خود که در حیات معمول مجال بروز ندارد با مشاهده کسانیکه بر پرده سینما تجسم همین تمایلات هستند نوعی تشخیص جویند.

یا انواعی از فیلم علاقه و گرایش پیدا کند و انواع دیگر را چندان مورد توجه قرار ندهد. این امر سبب می‌شود تا در هر مقطع سنی، کودک و نوجوان به نوع خاصی از فیلم پردازد. با افزایش سن و کسب بینش و معرفت و تکامل ذهن و عاطفه، سلیقه و رغبت کودک نسبت به فیلم تغییر یافته و به تناسب رشد ذهنی با انواع پیچیده‌تر فیلم رابطه برقرار می‌کند. پس می‌توان نتیجه گرفت که علاقه کودکان و نوجوانان نسبت به گونه‌های سینمایی و فیلمهایی با خصوصیات ویژه عناصر سازنده آن از قبیل کوتاهی یا بلندی زمان آن، سادگی یا پیچیدگی داستان، میزان و شدت هیجانات، نمادها و نشانه‌ها، رنگ آمیزی و کادربندی و تصویر و... امری نسبی بوده و در هر مقطع سنی تغییر می‌کند. علت امر در این نکته است که دریافت ذهنی و عاطفی از سینما مستلزم درک ضرب آهنگ و تصاویر، ارتباطات و مناسبات ویژه جغرافیایی (روابط بین مکانهای فیلم) و... در فیلم است. همه این عناصر در عالم واقع نیز وجود دارند و کودک با آنها رابطه برقرار می‌کند، ولی به دلیل تفاوت بسیار زیاد این عناصر در سینما نسبت به جهان واقع ادراک آن دشوارتر است. سینما از طریق تدوین، نوعی «زمان» ویژه را ارائه می‌دهد، زمانی که یا فشرده‌تر و یا بسیط‌تر از زمان واقعی است؛ دورین ممکن است از زوایای غیر معمول به ثبت تصاویر پردازد و گفتار فشرده‌تر و گزیده‌تر عرضه شود و...، که همگی حاکی از تفاوت سینما و جهان واقعی است. با آگاهی از این مسائل، فیلم کودکان باید از سادگی در همه عناصر برخوردار باشد چه در

به ندرت در سینمای تجاری غرب دیده می‌شود. انگیزه اعمال و حرکات قهرمان فیلمهای تجاری غرب را معمولاً عشق، شهرت طلبی و نامجویی، به دست آوردن ثروت، انتقام و... تشکیل می‌دهد، این قهرمانان در بیشتر مواقع به اهداف خود می‌رسند و موجب تشفی خاطر تماشاگر می‌شوند. این مضامین و تکرار آنها در فیلمهایی از این دست، تأثیرات نامطلوب تربیتی و اخلاقی از خود به جا می‌گذارند و زمینه‌های خشونت و ناامنی را در جامعه فراهم می‌کنند و به همین دلیل می‌توان از آنها به عنوان فیلمهای ضد تربیتی نام برد. در مقابل این فیلمها، فیلمهایی با مضامین انسانی قرار دارند. فیلمهایی که مروج نیکی و صلح و نوع دوستی هستند. در این فیلمها عدالت جایگزین انتقام، شجاعت و بزرگواری و ایثار، جایگزین شهرت طلبی و خودخواهی و رفاه طلبی هستند. در این فیلمها حقیقت زندگی در پوششی از رنگ و نور و جلوه‌گری متظاهرانه پنهان نشده و قهرمانان آن حقیقت خود را در رفتار عوام‌فربانه مخفی نکرده‌اند. این‌گونه فیلمها طبیعتاً منشی صحیح را جهت ادامه زندگی خود فراروی مخاطب قرار می‌دهند.

نکته مهم دیگر در بحث سینما و کودکان و نوجوانان چگونگی ارتباط آنها با فیلم و میزان دریافت مطالب و محتوای عقلانی و عاطفی آن است. خصوصیات و ویژگیهای کودک و نوجوان در مقاطع سنی گوناگون در تعیین دریافت او از فیلم اهمیت بسیاری دارد. این خصوصیات که غالباً جنبه روانی دارند و در روان‌شناسی رشد بویژه مورد بحث قرار می‌گیرند، باعث می‌شود تا کودک به نوع

ساخت فیلم برای کودکان و با انگیزه تربیت آنان، از سالهای ۱۹۳۰
در کشورهایی نظیر آلمان و شوروی سابق شروع شد. هرچند که از
قبل از این دوران نیز تلاش‌هایی در این جهت صورت گرفته بود
ولی از این زمان تولید فیلم برای کودکان به صورت هدفمند
و با برنامه‌ریزی مشخص صورت گرفت.

طریق عینی بینند یعنی ماجرا را به تمام و کمال
مجزا و مستقل از زندگی یا محیط خود بدانند و از
نظر اخلاقی درباره آن قضاوت کنند. در ۱۱ تا ۱۴
سالگی کودکان می‌توانند ساختمان و نظام درونی
فیلم را دریابند و علاوه بر درک ضرب‌آهنگ و ریتم
فیلم، معنای هر صحنه و کل فیلم را نیز درک کنند و
همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد داشتن حداقل ۱۲
سال هوشی برای نیل به این مرحله الزامی است.
این مسأله به معنای نفی تأثیر سینما بر کودکان زیر
۱۲ و یا ۱۰ سال نیست، بلکه توجهی است که نظر
فیلمساز باید در هنگام ساخت فیلم برای کودکان به
آن معطوف باشد. در صورت این توجه او می‌تواند
فیلم را از نظر فیلمنامه و نظام روایی و همچنین
ساختمان فنی طوری طرح‌ریزی کند که در عین
سادگی، جذابیت ویژه گروه سنی زیر ده سال را نیز
همراه داشته باشد. این سادگی باعث ایجاد رابطه
کودک و درک محتوای فیلم خواهد شد.

بر این مینا فیلم دو تأثیر عمده و اساسی بر
کودک خواهد نهاد: نخست آنکه آشنایی کودک با
فیلم در تکامل و رشد هوشی او به وجه مطلوبی
مؤثر خواهد بود. و دیگر آنکه به نحو محسوسی در
عقاید، ذوق و سلیقه و رفتار و کردار او تأثیر
می‌گذارد. در زمینه دریافت فیلم توسط کودکان، از
سوی روان‌شناسان و نظریه‌پردازان سینما، کار
گسترده‌ای صورت نگرفته است و آنچه که بر مبنای
تجربه و آزمایش به عمل آمده و می‌توان عنوان کرد
این است که دریافت فیلم در عین حال مشکل‌تر و
آسان‌تر از دریافت دیگر وجوه هنری قابل قیاس با
آن است. فاصله زمانی میان دریافت گنگ و کلی

تصاویر، ضرب‌آهنگ و توالی تصاویر و چه در
گفتار و حرکات و سایر عناصر. باید توجه داشت که
تصاویر بیش از آنکه انسان را به اندیشه وادارد،
ادراک حسی او را به کار می‌اندازد. از این رو معرفتی
که از راه تصویر به دست می‌آید بیشتر جنبه
حضور و شهودی دارد و چون بی‌واسطه است
آمیخته با واکنش‌های هیجانی می‌گردد و فقط
به صورت غیرمستقیم موجب فعل و انفعالات
عقلانی می‌گردد. بدیهی است که کودکان در سنین
پایین قادر به دریافت و ادراک این نظام هنری
نیستند. همان‌گونه که در رویارویی با سایر هنرها نیز
چنین است، خواندن یک غزل بسیار زیبا از «حافظ»
برای کودکی شش ساله همان نتیجه‌ای را خواهد
داشت که دیدن یک تابلو از «پیکاسو» یا شنیدن یک
سمفونی از «بتهون» و به همین قیاس دیدن فیلمی از
«برگمان»، طبعاً نتیجه جز ملال کودک نخواهد بود.
کودکان زیر شش سال در رویارویی با این‌گونه
فیلمها روابط میان صحنه‌های مختلف را در
نمی‌یابند و شخصیت‌های اصلی و هویت آنان را در
فیلم باز نمی‌شناسند و فیلم را به صورت صحنه‌های
مستقل و جداگانه‌ای که در کنار هم ردیف شده‌اند
می‌بینند. کودکان هفت یا هشت ساله تعاقب و
تسلسل صحنه‌ها را در می‌یابند، ولی به روابطی که
صحنه‌های مختلف یک مرحله از داستان را به هم
می‌پیوندد و موجب وحدت آن می‌شود، پی
نمی‌برند و صحنه‌های مهم و اساسی را از
صحنه‌های فرعی تمیز نمی‌دهند. کودکان ۹ و ۱۰
ساله داستان را به صورت یک واحد کلی مرکب از
اجزای به هم پیوسته می‌فهمند و قادرند که آن را به

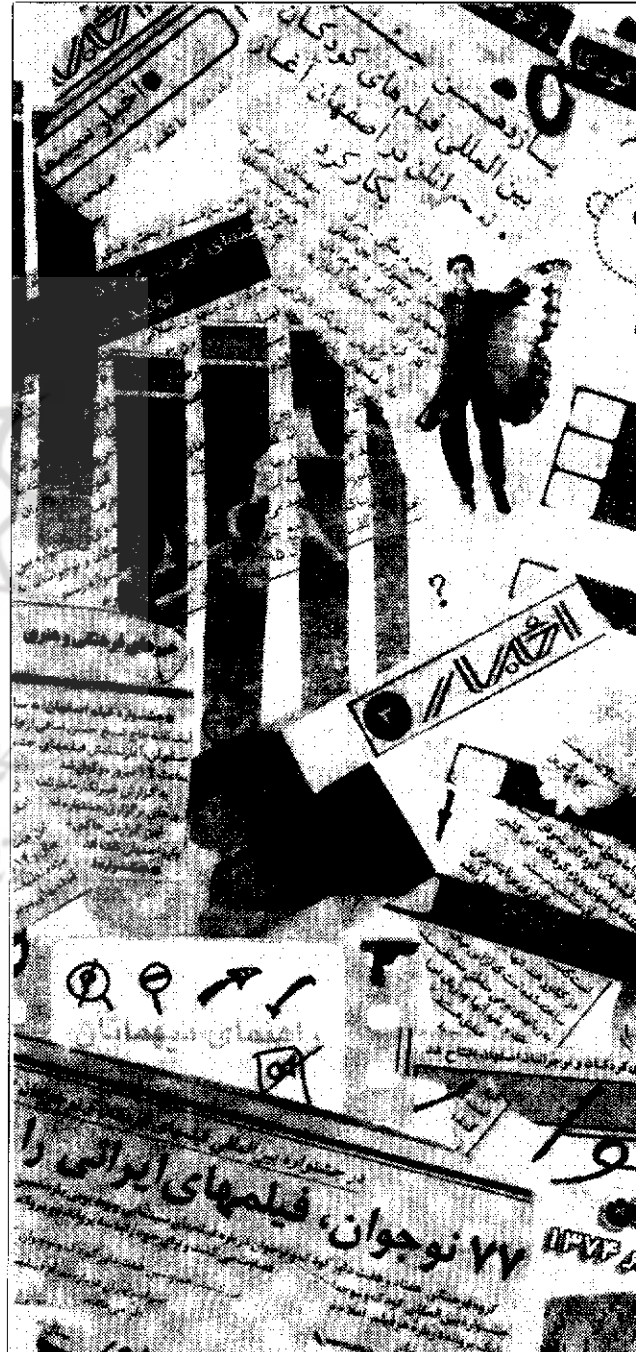
اما بر اساس آنچه که تاکنون آمد می‌توان گفت که کودک زمانی دریافت منطقی قابل قبول از فیلم خواهد داشت که در ابتدا درک صحیحی از قالب و صورت ظاهری آن داشته باشد. بر این مبنا فیلم باید که در ارائه شخصیت‌ها، ماجراها و رویدادها و چگونگی ارتباط تصاویر با یکدیگر و نیز طرح ثبت تصاویر - محتوای کادر - حد توان ذهنی و عاطفی



فیلم حدود ۷ سالگی و دریافت کامل و منطقی آن در حدود ۱۲ سالگی این امکان را پدید می‌آورد که آسانی خاص آنرا از دشواری‌هایش باز شناسیم. در مجموع می‌توان گفت که آسانی دریافت فیلم برای کودکان منوط و مربوط به «واقع‌نمایی» آن است و دشواری ادراک آن معلول ترکیب و ساختمان و نظام زبان و بیان سینمایی و نحوه به‌کارگیری اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده آن است.

احساس دیدن عین واقعیت که با تماشای فیلم به تماشاگر دست می‌دهد، بی‌گمان مولود رؤیت تصاویر و ویژگی بصری فیلم است که به‌خودی‌خود هم موجب جلب توجه و دقت کودک می‌شود و هم ذات‌پنداری با قهرمان فیلم مکمل و متمم این احساس واقع‌بینی خواهد بود. این احساس مسلماً به ادراک فیلم توسط کودک می‌انجامد، ولی میزان ادراک کودک از فیلم بستگی تام با شیوه بیان فیلم دارد. تعدد و تنوع اشخاص، اندازه کادر تصاویر، زاویه تصویر، قطع روایت و عدم بیان مستمر و پیگیر ماجرا به‌صورت پیوسته، غالباً موجب گمراهی، دیرفهمی و یا کج‌فهمی کودک از فیلم می‌گردد. فیلمساز با آگاهی از این مسائل در تولید فیلم برای کودک، باید ویژگیها و ظرافت مخاطب و کاری که می‌خواهد انجام دهد را در نظر گیرد. همان‌طور که هر کودک علاوه بر دارا بودن ویژگیهای عمومی سایر کودکان، دارای ویژگیهای شخصی و فردی نیز هست، هر فیلم نیز علاوه بر دارا بودن مشخصه‌های کلی‌گونه (ژانر) خود، دارای مجموعه‌ای از ویژگیهای منحصر به فرد نیز هست که از اجزاء و عناصر آن و چگونگی ترکیب این عناصر با یکدیگر ناشی می‌شود و آنرا از سایر فیلمها متمایز می‌کند. بنابراین در بحث نحوه و میزان دریافت کودکان از فیلم با دو مقوله وسیع و پیچیده و متغیر، یعنی دنیای فیلم و جهان ذهنی کودک روبه‌رو هستیم. این مشخصه‌های متغیر در نهایت امکان صدور احکام قطعی درباره نحوه و میزان دریافت کودک از فیلم را ناممکن می‌گرداند،

کودک را در نظر گیرد، در این صورت فیلم دارای ساختمان و قالبی خواهد شد که بازشناسی آن برای کودک ممکن خواهد بود و در نتیجه در تفهیم و ادراک مضمون و داستان فیلم نیز راهنمای او می‌گردد. بیان داستان متجانس و یکدست بدون نقاط ابهام و اوج و فرودهای ناگهانی، اولین گام برای دستیابی به پیوند با تماشاگران کودک است. تجربه



ثابت کرده است که صحنه‌هایی که دارای هیجانانگ شدید و یا بیش از حد خنده‌آور هستند تأثیر و خاطره‌ صحنه‌های ماقبل را از ذهن کودک محو و زایل می‌کند و یکپارچگی فیلم را از بین می‌برد و موجب عدم ارتباط کامل مخاطب با کل فیلم می‌شود. حفظ استمرار وقایع در فیلم کودکان از اهمیت بسیاری برخوردار است. در اینجا به قاعده‌های ویژه سینمای کودک می‌رسیم که با قواعد کلاسیک روایت فیلم تفاوت‌هایی دارد که اهم آن در پرهیز از پیچیدگی و گسستگی رویدادهاست.

در مورد تصاویر نیز کودکان و دنیای آنان و طبیعتاً دیدگاه ایشان را باید مد نظر قرار داد. کودکان در برخورد با فیلم جزئیات تصاویر را جذب کرده و ذهن خود را مشغول به آن می‌کنند. بنابراین فیلمساز علاوه بر توجه به این جزئیات که معمولاً در حرکات و اعمال بازیگران دیده می‌شود، برای حفظ تمرکز مخاطب بر مضمون اصلی فیلم، می‌تواند از آن در جهت ایجاد تمرکز و سوق دادن توجه مخاطب به فیلم و درک محتوای آن بهره‌گیرد. کودکان در رویارویی و ضبط تصاویر فیلم در ذهن خود فقط از حافظه خود کمک نمی‌گیرند، بلکه به همراه آن فعالیت‌های دیگر ذهن نظیر تداعی معانی، حکم، تخیل، تعمیم و تحلیل پدیدار می‌شود و به‌طور کلی سراسر ذهن و روحیه او از فیلم متأثر می‌گردد و به همین دلیل هر کودک دریافت شخصی خود را از فیلم خواهد داشت. نتیجه آنکه برای کودکان با توجه به روان‌شناسی رشد و تحول فرد در دوران مختلف سنی باید فیلمهای مناسب با روحیه و ویژگی ذهنی ایشان انتخاب نمود. برای هر گروه سنی پاره‌ای از فیلمها مناسب و پاره‌ای دیگر نامناسب هستند. در انتخاب این فیلمها توجه به ذوق و میزان درک کودک ضروری است. تجربه نمایش فیلم برای کودکان ثابت کرده است که توجه به نوع (ژانر) فیلم در هر دوره سنی از اهمیت بسیاری برخوردار است. فیلمهای پویانما به شرط داشتن ویژگیهای ذکر



شده، بهترین نوع فیلم برای کودکان تا ۹ سالگی هستند، پس از این دوره، فیلمهای مستند، واقعگرا، افسانه‌ای و از ۱۳ سالگی و بلوغ به بعد انواع علمی-تخیلی و... برای کودکان و نوجوانان قابل درک و فهم است.

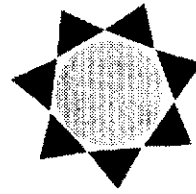
ارتباط کودک با فیلم و درک و فهم آن موجب ایجاد تأثیراتی در وی می‌شود. این تأثیرات غالباً به صورت ناخودآگاه است و در بینش و شیوه زندگی وی تغییراتی را سبب می‌شود. ناگفته نماند این تأثیر در تماشاگران بزرگسال نیز پدید می‌آید و علت آن انفعال تماشاگر در قبال هیجانی است که هنگام نمایش فیلم بر وی عارض می‌شود. این هیجانات در واقع عبارت از کنجکاوی شدید و انتظار همراه با تشویش و دلواپسی (تعلیق) است و موجب تحریک ذهن تماشاگر و به کار افتادن اندیشه و تخیل وی در عین حال متابعت و فرمانبرداری قوای نفسانی او از فیلم خواهد شد. در این حالت فکر و ذهن از فعالیت ارادی باز می‌ماند و به دنبال آنچه می‌بیند می‌رود و چنانکه در فعل و انفعالات مربوط به ساختار دراماتیک شاهد بودیم در هر صحنه فیلم کشمکش بزرگتر و هیجان بیشتری برانگیخته می‌شود تا سرانجام در اوج فیلم بزرگترین درگیری‌ها، شدیدترین هیجانات را ایجاد کرده و تأثیر آن در روح و جسم تماشاگر باقی می‌ماند. و از آنجا که هرگاه عملی در عالم تصور و خیال، ممکن به نظر آید و یا هدفی سهل‌الوصول تصور شود و در عین حال شور و هیجانی یا حالتی عاطفی نظیر بیم، امید، هراس، انتظار و... ذهن را فراگیرد و اراده نیز برای تغییر مسیر تصورات بی‌درنگ مداخله نکند، در اعضای بدن فرد، آگاهی و استعدادی برای انجام دادن عمل تصور شده پدید می‌آید، این برانگیختگی در شکل افراطی خود، حاصل هیجانات شدید بوده و شوری آتشین یا تصویری مکرر و طولانی را سبب شده و حتی گاه به عدم تعادل روانی و حالات نامتعارف دیگر می‌انجامد. در مواجهه با سینما غالباً به صورتی

خفیف‌تر نزد تماشاگر به وجود می‌آید و با احساس لذت توأم می‌گردد. اگر در سینما چنین حالتی به تماشاگر دست ندهد، نتیجه آن ملال خواهد بود و به همین دلیل است که کلیت اصول و قواعد کلاسیک سینما در همه عناصر و اجزاء برای پدید آوردن چنین حالاتی وضع شده‌اند. این موضوع را تراژدی‌نویسان یونانی قبل از همه کشف کردند و ارسطو قواعد آن را تدوین نموده است. قواعدی که به یاری آن امروزه سینمای داستان‌سرا بیشترین هیجان را ایجاد نموده و بیشترین تأثیر را بر مخاطب می‌گذارد و او را به شرکت در تجربه قهرمان فیلم در رویارویی با موانع فرا می‌خواند. این فعالیت (ذهنی) و فعل‌پذیری تماشاگر موجب تغییراتی در رفتار، نظرات و اعتقادات وی می‌شود.

تغییر نظر و اعتقاد تماشاگر با مضمون فیلم رابطه مستقیمی دارد. در صورتی که فیلم واجد خصوصیات فنی و کیفیات هنری مؤثر باشد، مضمون و درونمایه آن تأثیر مشهودی بر نظرات تماشاگر، درباره موضوع طرح شده در فیلم می‌گذارد. به عنوان مثال می‌توان از فیلم

انگیزه رخدادهای تاریخی می‌پذیرند. بر این مبنا کودکان نیز هنگام مواجه شدن با فیلم، بر اساس علائق و نوع گرایش ذهنی و عاطفی خود از فیلم تأثیر می‌پذیرند.

تأثیر فیلم بر تماشاگر از جهات گوناگون قابل بررسی است. یکی از مهمترین این جهات، تأثیرات فیلم بر عواطف تماشاگر است. فیلمهای هراس آور نمونه محسوسی در این مورد است. تماشاگر با دیدن صحنه‌های ترسناک واکنش آنی و گاه طولانی از خود بروز می‌دهد. در زندگی روزمره خود نیز هنگام مواجه شدن با مناظر مشابه، حالت تداعی برای او پیش می‌آید و ترس بر او حاکم می‌شود. فیلمهای خشنوت‌بار، لطیف و انسانی و... هر یک تأثیر عاطفی خاصی بر تماشاگر می‌گذارند. از این خصیصه برای ایجاد عواطف مثبت می‌توان استفاده کرد. مثلاً ایجاد عواطف نظیر نیکی به هم‌نوع، توجه و احترام به والدین و... این فیلمها می‌توانند تماشاگر را به فعالیت‌های جسمی تشویق نموده و میل به ورزش و حرکت را در او برانگیزند. در اینجا فیلم حتی ممکن است با القای مفهومی صحیح از زندگی در ذهن مخاطب، جنبه درمانی پیدا کند و در غیر این صورت نقایص اخلاقی تماشاگر با تماشای همان نقایص در قهرمانهای فیلم نه فقط از بین نرفته بلکه گاه تشدید نیز می‌شود. این تأثیرات با سن، جنس، زمینه عاطفی، رشد عقلی و موقعیت اجتماعی مخاطب بستگی زیاد دارد و بر حسب مقدار تماشای فیلم در هفته یا ماه تغییر می‌یابد. تماشاگر هنگام تماشای فیلم دستخوش حالات خاصی می‌گردد که روان‌شناسان با عناوین «بهره‌گیری» یا شرکت و دخالت خیالی در ماجرا، انطباق یافتن یا همانند شدن با قهرمانان فیلم و «فراکنی» و استناد نفسانیات خود به دیگران از آن یاد می‌کنند. مناسبات خاصی که میان تماشاگر و فیلم پدید می‌آید موجب رهایی و تسکین و تشفی عواطف و هیجانات تماشاگر و انگیزش قوای نفسانی او می‌گردد.



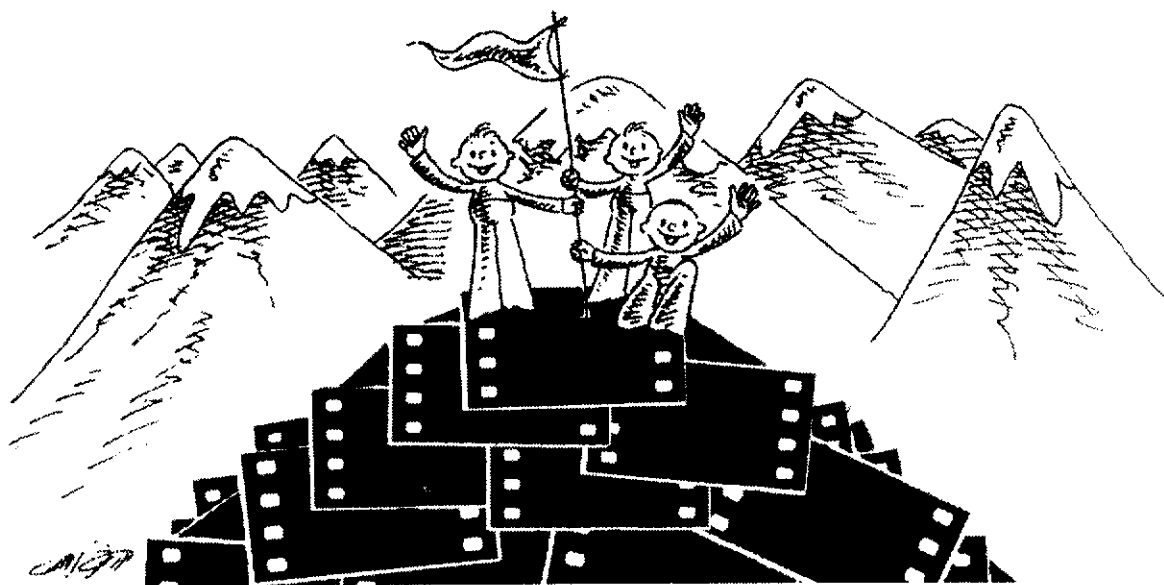
جمهوری آصفهان میزبان است
ششمین جشنواره بین‌المللی
فیلمهای کودکان و نوجوانان
اصفهان ۱۳۷۹

6TH INTERNATIONAL FESTIVAL OF FILMS
FOR CHILDREN AND YOUNG ADULTS
ISFAHAN NOV. 4-11, 1999



«پیروزی اراده» ساخته «لنی ریفنشتال» نام برد که در ستایش آلمان نازی و رهبر آن ساخته شده بود و به دلیل تکنیک بسیار قوی خود تأثیری انکار ناشدنی بر تماشاگران آلمانی زمان خود گذاشته و عکس آن، تأثیرات در فیلمهایی که پس از جنگ راجع به این موضوع ساخته شد قابل ذکر است. بنابراین می‌بینیم که دو فیلم قوی و جذاب یکی در اثبات موضوعی و دیگری در رد همان موضوع هر دو بر مخاطب و تغییر نظر ایشان کارگر می‌افتد و اگر چنین نشود حداقل او را به مطالعه و کسب آگاهی نسبت به موضوع راغب می‌کند.

تأثیرات فیلم بر تماشاگر با زمینه‌های فکری و خلق و خوی وی نیز در ارتباط است. افراد محتاط در قبال فیلمی که تماشاگر را به مبارزه می‌خواند عکس‌العملی بسیار متفاوت نسبت به عکس‌العمل افراد با شهامت نشان می‌دهند. همچنین تأثیر فیلمی از دربار یک سلطان نزد افراد دوستدار تجملات با افراد علاقه‌مند به تاریخ حتماً متفاوت است. گروه اول تحت تأثیر آرایش صحنه، لباسها و مناظر فاخر قرار می‌گیرند و گروه دوم تأثیراتی از علت و



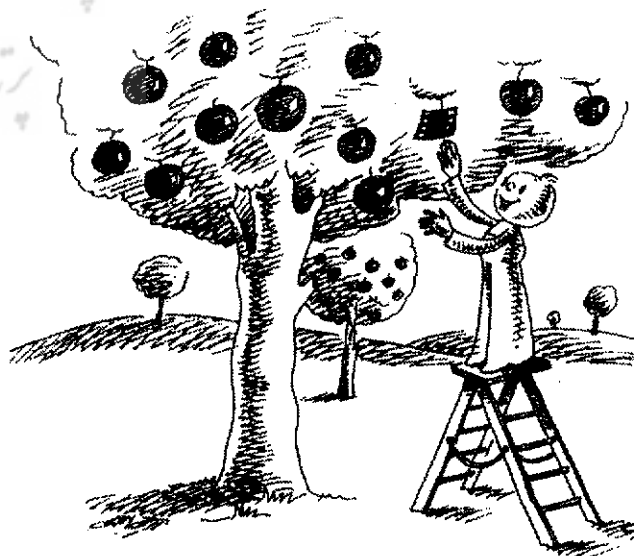
داستان آن نیست. تماشاگر در این کار مصدر فعالیت و منشأ اثر است و در آنچه دیده دخل و تصرف می‌کند و با تجزیه و تفکیک تصاویر و پاره رویدادها، انگیزه و زمینه داستان را مدتها پس از تماشای آن می‌سازد و می‌پردازد.

سینما اگر به نمایش رفتار و کردار خلاف اخلاق و قوانین اجتماعی مانند فیلمهای گانگستری بپردازد و بر جنبه‌های طلایی زندگی با توجه شدید به ثروت، لباسهای فاخر و موضوعات عشقی و جنسی تأکید ورزد، آرزوی به‌دست آوردن مال و زندگی پر تجمل و رنگین را از راههای ناشایست در نهاد تماشاگر بر می‌افروزد و راه و رسم برآوردن این آرزوها را به صورت ناپسند به وی می‌آموزد. این موضوع به‌خصوص در مورد تماشاگران نوجوان و تازه بالغ به شدت عمومیت دارد و بسیاری از نوجوانان بزهکار علاوه بر تأثیرپذیری از محیط، دوستان و... سینما را نیز به‌عنوان یکی از عوامل انحراف خود ذکر کرده‌اند. درباره این موضوع از سوی دانشمندان، پژوهشگران و سینماگران آرای متنوع و گوناگونی ابراز گردیده، برخی این‌گونه سینما و فیلم را عامل مهم و خطرناک بزهکاری نوجوانان ذکر کرده‌اند و برخی با ذکر این نکته که در فیلمهای پلیسی و گانگستری همواره افراد خطاکار شکست می‌خورند و به‌همین دلیل این

در سینما، تماشاگر فاصله میان خود و فیلم را از میان برمی‌دارد و با قهرمان فیلم یکی می‌شود و در می‌آمیزد و بدین سبب غالباً از بند «اوامر و نواهی» وجدان یا قوانینی که بر آن حکمفرماست رهایی می‌یابد، این مسأله معمولاً به‌طور ناخودآگاه اتفاق می‌افتد. طبق تحقیقات به‌عمل آمده ضرب‌آهنگ فیلم در آهنگ تنفس تماشاگر تأثیر می‌گذارد و این مسأله نشان‌دهنده تأثیر عاطفی فیلم بر تماشاگر است؛ این تأثیر حتی در انگیزش حرکت نیز کارایی دارد. تصاویر فیلم به سبب نیروی مستقیم و نافذ و سوسه‌انگیزی که دارد آدمی را به‌کار و حرکت می‌کشاند. از لحاظ کودک میان مشاهده و دریافت تصویر و عمل و حرکت مطابق با آن فاصله‌ای وجود ندارد. کودک این دو مرحله را با هم در می‌آمیزد. انطباق او با قهرمان فیلم و تکرار اعمال او از همین مقوله است. کودکان بیش از آنکه تماشاگر باشند «همبازی» قهرمانان فیلم هستند، یا عوامل فیلم را به خود نسبت می‌دهند و با مافی‌الضمیر خویش در می‌آمیزند و یا سرگذشت خود را در فیلم جلوه‌گر می‌یابند و فیلم را چنانکه خود در ماجرای آن سهم و دخیل بوده باشند می‌بینند و سرانجام آرزوهای خویش را در عالم تصویر و تصور باز می‌یابند. و به همین علت است که پژوهشگران را عقیده بر آن است که تذکار و یا تخطر فیلم، نقل بی‌کم و کاست

فیلمها موجب عبرت می‌گردد و نه جنایت، به مخالفت با نظریه اول برخاسته‌اند.

در اینجا ذکر دو نکته لازم است. نخست آنکه اساساً سینما دنیایی متنوع و گسترده از نظر داستان و مضمون و محتوا است که انواع شیوه‌های زندگی را به نمایش می‌گذارد. سینمای تجاری به خصوص از نوع غربی و شبه‌غربی آن برای جلب مشتری بیشتر معمولاً به نمایش آرزوهای مادی تماشاگر می‌پردازد و زندگی پر زرق و برق را تبلیغ می‌کند، درست است که معمولاً جنایتکاران این فیلمها سرانجام گرفتار قانون می‌شوند و شکست می‌خورند، ولی قسمت اساسی و مهم فیلم هم از نظر طول زمانی و هم از نظر جذابیت و رؤیاپردازی، صرف نمایش و تبلیغ زندگی تجملاتی و غیرواقعی قهرمانان فیلم و اعمال و رفتار خلاف اخلاق و قانون آنان می‌گردد که با توجه به فرآیند تذکار و تخطر فیلم، حفظ و یادآوری صحنه‌های لذت‌بخش فیلم معمولاً قسمت مربوط به انجام اعمال خلاف قانون و اخلاق و جامعه در ذهن مخاطب به صورت پایدارتر می‌ماند و بنابراین تأثیر سوء این فیلمها بسیار بیش از تأثیر مثبت آن است. باید توجه داشت که این مطلب بیشتر شامل



فیلمهای تجاری گانگستری و جنایتکارانه و خشونت‌آمیز غربی و شبه‌غربی می‌شود و اطلاق آن به کل سینما و همه فیلمها اشتباه است.

نکته دوم، آنکه این‌گونه فیلمها فقط در تماشاگرانی که زمینه اخلاقی، تربیتی و روحی مناسب بزهکاری دارند مؤثر بوده و به همین دلیل توان اغوای همه تماشاگران را نداشته فقط رفتارها و سلوکی را که قبلاً وجود داشته تقویت و تحکیم می‌کند. نتیجه آنکه این فیلمها فقط در روحیه افرادی که تحت تأثیر سایر عوامل مولد بزهکاری نظیر فقر و نابسامانی، سختی معیشت، گسیختگی و پریشانی خانواده، تربیت نادرست و فقدان یا کمبود محبت والدین و... قرار داشته‌اند مؤثر می‌افتد و ذکر آن به عنوان یگانه عامل خطاست. کتمان نمی‌توان کرد که این کودکان و نوجوانان معمولاً بیش از سایر افراد همسن خود علاقه و گرایش به سینما دارند و گاه تا سرحد افراط، روزانه چندین بار به سینما می‌روند که از دلایل مهم این امر فرار از چهارچوب زندگی تلخ و نامطبوع خویش است.

فیلمها ممکن است به سبب برخی از صحنه‌ها یا محیط و زمینه‌ای که مراحل و رویدادهای فیلم در آن گسترده می‌شود و یا به علت مضامین و منبع الهام داستانشان خطرناک و زیان‌آور باشند، اما تقسیم فیلمها به این ترتیب درست نبوده و بهتر آن است که بدانیم چه تصاویری برای کودکان و نوجوانان زیان‌آور هستند. این تصاویر در بعضی موارد تمام فیلم و در مواردی دیگر بخشهایی از آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخی از فیلمها به سبب اینکه اساساً اعمال جنایی و بزهکاری‌هایی چون قتل و دزدی را به اشکال مختلف می‌نمایانند خطرناک هستند، به‌خصوص زمانی که خشونت برای تماشاگر منبع حظ و لذت باشد. فیلمسازان، مریبان و والدین با آگاهی از جنبه‌های مخرب سینما باید از تولید و نمایش این جنبه‌ها خودداری ورزند و در عین حال، اطلاع و آگاهی داشته باشند. که سینما دارای ابعاد وسیعی است و توان تربیتی

بالایی دارد که آنها می‌توانند از آن در جهت ساخت نسلی پالوده از زشتی‌ها بهره‌های فراوان برند.

سینما به سبب امکانات ویژه خود برای کودکان و نوجوانان جذاب است و دنیای شگفت‌انگیزی را به ایشان عرضه می‌دارد، دنیایی که طبع خیال‌پرور کودک و ذهن کنجکاو نوجوان را غنی می‌سازد. هنرمندان سینما با توجه به این نکته، باید بین ساخت «فیلم برای کودکان» و «فیلم درباره کودکان» تفاوت قایل شوند. «فیلم برای کودکان» ایشان را جذب کرده و مطالب سودمند و سرگرم‌کننده را به ایشان ارائه می‌دهد. اما «فیلم درباره کودکان» در واقع فیلمی است که راجع به مسائل کودکان برای بزرگسالان ساخته می‌شود و هدف، ذکر چگونگی ایجاد رابطه و درک کودک و حل مسائل آنان است. از نمونه‌های خوب این نوع فیلم می‌توان به «مشق شب» ساخته «عباس کیارستمی» که به مسئله تکالیف منزل دانش‌آموزان می‌پردازد، اشاره کرد. این فیلم برای معلمان، مربیان و والدین حاوی نکات جذابی است، ولی برای کودکان، هم ملال‌آور است و هم مضر. بنابراین باید جداً میان این دو نوع فیلم تفاوت قایل شد.

ساخت فیلم برای کودکان و با انگیزه تربیت آنان، از سالهای ۱۹۳۰ در کشورهای نظیر آلمان و شوروی سابق شروع شد. هرچند که از قبل از این دوران نیز تلاشهایی در این جهت صورت گرفته بود، ولی از این زمان تولید فیلم برای کودکان به صورت هدفمند و با برنامه‌ریزی مشخص صورت گرفت، کشور چکسلواکی در این دوران یکی از مهمترین کشورهای تولیدکننده فیلم برای کودکان بود که بیشتر در زمینه پویانمایی فعالیت می‌کرد. از آن زمان تاکنون سازمانها و مراکز بسیاری به جذب هنرمندان سینمای کودک و نوجوان پرداخته و برای ایشان فیلم ساخته‌اند. هر ساله جشنواره‌های بسیاری برای عرضه و نمایش فیلمهای ویژه کودکان و نوجوانان در جهان برگزار می‌شود و شبکه‌های تلویزیونی بسیاری، ویژه

کودکان و نوجوانان فیلم و برنامه پخش می‌کنند. باید توجه داشت معمولاً سینما برای بزرگسالان وسیله تفریح و سرگرمی است و نیز هنری که خواص را به خود جلب می‌کند، اما از نظر کودک و نوجوان سینما آسانترین وسیله راه‌یافتن به دنیای اشیاء و اشخاص است. از این‌رو وضع و حال او به‌عنوان تماشاگر از هر جهت با موقعیت بزرگسالان تفاوت دارد. تفاوتهایی که طی مباحث گذشته به آن اشاره شد. ویژگی فیلم کودکان فقط در مضمون و درونمایه آن نیست، بلکه حتی مهمتر از آن در نحوه بیان و نمایش آن است. به عبارت دیگر شیوه روایی و فنون مورد استفاده در سینمای کودک و نوجوان با توجه به ویژگیهای جسمی و روحی آنان از مهمترین مسائل سینمای کودکان و نوجوانان است که باید از سوی سازندگان این نوع فیلم در نظر گرفته شود. کلیه عناصر سازنده فیلم از داستان فیلم و شخصیتها و ماجراهای آن گرفته تا تصاویر و شیوه طراحی صحنه‌ها و نورپردازی و کاربرد رنگ و... همچنین تدوین و موسیقی و گفت‌وگو و سایر عوامل تشکیل‌دهنده فیلم باید با شناخت کافی از ویژگیهای مخاطب و در نهایت سادگی و روشنی به کار رود، تا امکان برقراری ارتباط قوی و مستحکم و مؤثر بین فیلم و تماشاگر کودک و نوجوان آن حاصل آید و نقش سینما به‌عنوان یک وسیله قوی ارتباطی در سطح جامعه بشری برای تربیت کودکان و نوجوانان به‌خوبی ایفا شود.

سینما به مثابه بهترین و ارزنده‌ترین وسیله تعلیم و تربیت و پرورش ذوق و اشاعه و ترویج فرهنگ و هنر و شناخت جهان و انسان و زیبایی، کارکردی انکارناپذیر در عرصه آماده‌سازی کودکان و نوجوانان برای زندگی بهتر دارد. فیلمهایی که در شناخت ارزشهای اخلاقی و معنوی اهتمام می‌ورزند در پرورش ذوق ادبی و هنری کودکان و نوجوانان و تربیت اجتماعی او مؤثر هستند. مضامین این فیلمها را معمولاً توصیف خصوصیات کشورهای مختلف و آداب و رسوم آنان، تشویق

کودکان جهان به همکاری و سعی در ایجاد اتفاق بین ایشان، نمایش پایه‌های زندگی اجتماعی و کار و کوشش و شرف و حیثیت انسانی، بزرگداشت تلاش افراد و جماعات در راه اصلاح و اعتلای جامعه، آموزش مفهوم حقوق و وظایف و تکالیف افراد جامعه و به کار بستن آنها در زندگی، نقل داستان قهرمانان و... تشکیل می‌دهند.

سینما اگر دارای شیوه بیانی و مضامین مطروحه در این مبحث باشد علاوه بر پرورش ذوق و استعداد کودکان و نوجوانان، می‌تواند موجب رشد عواطف و احساسات پاک در آنان گردد و حتی به‌عنوان نوعی وسیله درمانی در بازسازی کودکان ناهنجار به کار رود و تظاهرات غریزی را دگرگون و متعالی سازد و نیروی او را برای مقاومت در برابر اعمال ضد اخلاقی و انسانی افزایش دهد. از آنجا که کودک، فیلم را به‌عنوان یک واقعیت زنده می‌پذیرد، بنابراین از آن به‌عنوان الگو و سرمشق امور خود بهره می‌گیرد. فیلم از این رهگذر می‌تواند اشتیاق پیمودن طریق زندگی مردمان بزرگ را در کودکان و نوجوانان برانگیزد.

سینما می‌تواند آموزش خشک و رسمی را مبدل به تربیتی مفرح و مؤثر نماید و به مدد فیلمهای مستند تاریخی، فرهنگی، طبیعی (دربارۀ حیوانات) و... علاوه بر ارائه اطلاعاتی درباره مقولات فوق، چنان علقه و علاقه‌ای در کودک و نوجوان نسبت به آن پدید آورد که تأثیر آن در تمام طول زندگی وی پایدار بماند. اما کودکان و نوجوانان را در برخورد با سینما نباید به حال خود رها کرد، بلکه صحیح‌تر آن است که کودکان و نوجوان را پس از تماشای فیلم به بحث و مذاکره آزاد درباره فیلم تشویق نمود تا به ارزیابی و بررسی فیلم پرداخته و به این ترتیب به شیوه‌ای منطقی و اصولی با ذهنی روشن در برداشت‌های خود از فیلم تأمل و مذاقه کنند.

فیلم باید راهنما و مشوق مخاطب به عمل و تجربه باشد و خود جای تجربه و عمل را برای کودک نگیرد و او را تبدیل به موجودی درونگرا و

متزوی نسازد. توجه به این نکته از سوی فیلمسازان و مربیان و والدین بسیار ضروری و مهم است. این کار از طریق ایجاد کنجکاوی و سؤال در ذهن کودک و نوجوان، انگیزه کافی برای جست‌وجو و عمل را در او پدید می‌آورد.

از مجموع مباحث یاد شده می‌توان نتیجه گرفت که سینما هنری چند وجهی، با تأثیرات روحی، عاطفی، ذهنی و عقلانی قوی و مؤثر است که اگر از تواناییهای آن به‌درستی استفاده شود بیشتر و بهتر از هر وسیله دیگری می‌تواند در خدمت تربیت بخش عظیمی از جامعه بشری که همانا کودکان و نوجوانان هستند، در آید. توجه به این رسانه از مهمترین مشغله‌های ذهنی دانشمندان، متفکران و رهبران جامعه امروز بشری است. فراموش نکنیم که این حق مسلم کودکان ماست که بخواهند از دریچه چشم این هنر شگفت‌انگیز قرن بیستم، دنیا و زیباییهای آن را کشف کنند. اکنون پس از گذشت بیش از یک صد سال از ابداع سینما بجاست که حرکتی بنیادین برای بهره‌گیری تربیتی از تواناییهای گسترده و چند وجهی آن به عمل آید.

فهرست منابع و مآخذ

- استیونس، رالف و ژ. دبری. سینما از دیدگاه هنر، ترجمه پرویز دوائی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- شفیع آبادی، عبدالله. مبانی روانشناسی رشد، انتشارات چهر، چاپ ششم، ۱۳۷۲.
- شکوهی، غلامحسین. تربیت و مراحل آن، مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۲.
- عناصری، جابر. مردم‌شناسی و روانشناسی هنری، انتشارات اسپرک، ۱۳۶۸.
- کازینو، ژان. قدرت تلویزیون، ترجمه علی اسدی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- نایت، آرتور. تاریخ سینما، ترجمه نجف دریابندری، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.
- وین، میشل. سینما و فنون، ترجمه پیروز سیار، انتشارات سروش، ۱۳۶۸.